

سوال

برخی معتقدند ارتکاب گناهان و کبائر توسط برخی حاکمان شورش علیه آنان و تلاش برای تغییر حکومت را واجب می‌کند حتی اگر این کار باعث زیان رسیدن به مسلمانان در آن سرزمین شود و جهان اسلام هم اکنون بسیار از این دست حوادث رنج می‌برد. رای شما چیست؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

شیخ عبدالعزیز بن باز - رحمه الله - در پاسخ به این سوال می‌گویند:

«بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر رسول الله و بر آل و اصحاب او و همه‌ی کسانی باد که رهنمون آنان را در پی گیرند اما بعد:

الله عزوجل می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا [نساء: ۵۹]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید الله را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و (نیز) اولیای امر خود را پس هرگاه در امری اختلاف نظر یافتید اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید آن را به [کتاب] الله و [سنت] پیامبر عرضه کنید. این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.)

این آیه نص بر وجوب طاعت اولوالامر یعنی امرا و علما است و سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نیز بیان داشته که این طاعت لازم است و در امری که (معروف) باشد (نه منکر) فرض است.

نصوصی که در سنت آمده معنای این آیه را تبیین نموده و لفظ مطلق آیه را مقید به این نموده که منظور اطاعت آنان در معروف است [بنابراین] بر مسلمان لازم است که در امر معروف از والیان امر اطاعت کنند نه در گناهان پس اگر به معصیت امر کردند اطاعت نمی‌شوند اما [با این وجود] به سبب آن خروج بر آنها جایز نیست زیرا پیامبر - صلی الله علیه

وسلم - می‌فرماید: آگاه باشید؛ کسی که امیری بر وی گماشته شد و دید که مرتکب معصیتی می‌شود آن معصیت را بد بدارد اما دست از طاعت نکشید. و همچنین می‌فرماید: کسی که از طاعت بیرون رود و جماعت را رها کند و [در این حال] بمیرد به مرگی جاهلی مرده است. و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: بر انسان شنیدن و اطاعت کردن در آنچه دوست دارد و دوست ندارد واجب است مگر آنکه او را به گناهی فرمان دهند؛ پس اگر به گناه فرمان داده شد نه می‌شنود و نه اطاعت می‌کند. صحابه نیز هنگامی که از وی شنیدند [در آینده] امیرانی خواهند آمد که برخی کارهایشان را نیک می‌بینند و برخی دیگر را انکار می‌کنند به ایشان گفتند: پس [در آن حال] ما را به چه چیزی امر می‌کنید؟ فرمود: حق آنان را ادا کنید و حقتان را از الله بخواهید.

عبادة بن صامت - رضی الله عنه - می‌گوید: «با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر شنیدن و اطاعت در خوشی و ناخوشی و سختی و آسانی و در صورت آنکه مورد تبعیض قرار گیریم بیعت نمودیم و بر این [بیعت نمودیم] که در امر [حکومت] با اهل آن در نیفتیم و فرمود: مگر آنکه کفری آشکار ببینید که نزد خود برای آن از سوی الله برهانی داشته باشید. این نشان می‌دهد که نزاع و کشمکش با والیان امور و خروج و شورش علیه آنان جایز نیست مگر آنکه کفری آشکار ببینند که برایش برهانی آشکار از سوی خداوند داشته باشند؛ و این نیست مگر برای آنکه شورش علیه والیان امور فساد بزرگ و شری بس عظیم را سبب می‌شود که امنیت را از بین برده و حقوق را تباہ می‌کند که در آن صورت نه پس زدن ظالم ممکن است و نه یاری مظلوم و شری بسیار رخ خواهد داد.

بنابراین اگر مسلمانان کفری آشکار دیدند که برایش دلیلی آشکار از سوی خداوند دارند در آن صورت اشکالی ندارد که در صورت توان بر آن سلطان خارج شوند و او را برکنار کنند اما اگر قدرتش را ندارند نباید خروج کنند یا اگر خروجشان شری بزرگتر را پدید می‌آورد برای رعایت منافع عمومی خروجشان جایز نخواهد بود.

قاعدہ‌ی شرعی که بر آن اجماع شده اینگونه است که: از بین بردن یک شر با شری بدتر از آن جایز نیست. بلکه شر را باید با چیزی از بین برد که آن را کاملاً بردارد یا کم کند اما سعی در از بین بردن شر با شری بدتر به اجماع مسلمانان جایز نیست.

بنابراین گروهی که می‌خواهند سلطانی را که کفری آشکار انجام داده برکنار کنند اگر توانایی آن را دارند و می‌توانند بدون به وجود آمدن فساد بزرگ علیه مسلمانان امامی صالح و نیک را به جایش بگذارند کارشان اشکالی ندارد اما اگر بر این خروج فساد بزرگ و از بین رفتن امنیت و ظلم به مردم و کشته شدن کسانی که مستحق قتل نیستند و دیگر مفاصد عظیم مترتب شود کارشان جایز نیست بلکه باید صبر پیشه کرد و برای کم کردن شر و بیشتر شدن خیر اجتهاد نمود و این همان راه درستی است که باید پیش گرفته شود زیرا مصالح کلی مسلمانان در آن است و به واسطه‌ی این کار شر و بدی کم می‌شود و خیر و نیکی افزون می‌گردد و امنیت و سلامت مسلمانان از شری بزرگتر تامین می‌شود. از الله برای همه توفیق و هدایت را خواستاریم.»



مجموع فتاوی علامه بن باز (۸/ ۲۰۲ - ۲۰۴).

والله اعلم.